

ذبیح روح الله

اطراتی از زندگی شهید حاج اسماعیل رضایی

محمد داوودی جاوید

www.ketab.ir

ذبیح روح‌الله

خاطراتی از زندگی شهید حاج اسماعیل رضایی

محمد داوودی جاوید

ناشر: فاتحان

به کوشش: مؤسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب

کارشناس و ناظر: رحیم مخدومی

طرح جلد: علی اصغر بهمن‌نیا

نوبت چاپ: یکم - ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۶-۴۶-۶

قیمت: ۸۰۰۰ تومان



نشر فاتحان

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

پته: خیابان نوفل لوشاتو، خیابان هانری کورین، پلاک ۳،
نشانی: تهران، خیابان هانری کورین، پلاک ۳،
تلفن: ۶۶۷۲۳۵۲۱ - ۶۶۷۲۲۷۹۹

سرشناسه: داودی جاوید، م. د. ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ذبیح روح‌الله: خاطراتی از زندگی شهید

حاج اسماعیل رضایی

مشخصات نشر: تهران: فاتحان ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.؛ مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۶-۴۶-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی

<http://opac.nia.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۶۳۶۱

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۱	 یادداشت نویسنده
۱۳	 بخش یکم
۱۵	 اولین روز بهار
۱۸	 کاسب تمام عیار
۲۰	 تشکیل خانواده
۲۳	 دستان سبز
۲۵	 غیرت
۲۷	 سند سرخ
۲۸	 چراغ خانه‌های تاریک
۳۰	 باقیات صالحات
۳۱	 حضور در مراکز مذهبی
۳۳	 دانه‌ای در دل خاک
۳۵	 فعالیت‌های سیاسی

۳۶	ارتباط با روح الله
۳۷	مژده وصل
۳۹	خاطره‌ای از زبان شهید حاج مهدی عراقی
۴۰	خاطره‌ای از یادگار امام
۴۲	سند بقچهای
۴۴	ذبح اسماعیل

۴۵	بخش دوم
۴۷	مسیر شهید رضایی در مقابله با بهائیت
۴۹	از انقلاب تا آزادی
۵۲	خبر من ۱۵ خرداد، پیوند مستحکم ملت و امام
۵۵	سوخت موتور انقلاب
۵۶	حضور مؤثر
۵۷	هدف شوم در ورای یک بازی رسانه‌ای
۵۸	من «حاج اسماعیل رضایی» هستم
۵۹	یادی از حر انقلاب
۶۲	از تاریکی تا نور
۶۵	تحول روحی طیب
۶۷	طیب در شب عاشورا
۷۰	مرحوم طیب در ۱۵ خرداد
۷۲	روز سرنوشت
۷۴	جیب آمریکایی
۷۶	حرف‌های ناگفتنی
۷۸	آب در هاون کوبیدن ساواک

۸۱	نفوذ ساواک در بیدادگاه
۸۳	بیداد در بیدادگاه
۸۶	متن وصیت نامه
۸۸	جبل الراسخ
۹۰	مرگ باسعادت
۹۲	پرواز در سحرگاه
۹۳	نزارش روزنامه کیهان
۹۶	پس از پرواز
۹۷	مرندی که مرید شد (به نقل از شهید عراقی)
۹۹	پس از ۱۵ مرداد به روایت شیخ حسین انصاریان
۱۰۱	دروغ ۲۵ رسانی
۱۰۳	مشایعت پرشور
۱۰۴	رمز پیروزی
۱۰۵	تعطیلی حوزه های علمیه
۱۰۷	واکنش ساواک
۱۰۸	دست چدنی در زیر دستکش مخمسی
۱۰۹	تجمع در حرم عبدالعظیم الحسنی
۱۱۱	طیب، طیب از دنیا رفت
۱۱۲	دریافت نشان رضایت
۱۱۵	مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت
۱۱۷	تصاویر

مقدمه

بیانات مقام مسم رهبری (مدظله العالی) در جمع اعضای ستاد کنگره
شهدای اصناف و بازار (۹۳/۳/۲۰)

بسم الله الرحمن الرحيم
خداوند ان شاء الله به شما برادران عزیز مرتبط با اصناف و جزو
اصناف جزای خیر بدهد.

مسأله بازار و اصناف و ورود در میدان مبارزه از سوی این جمع و
این قشر، یکی از مسائل مهم تاریخ انقلاب است. بنده تصدیق می‌کنم و
از نزدیک شاهد بودم که جزو اولین گروه‌ها یا شاخه‌ها بشود گفت اولین
گروهی که به ندای امام در نهضت پاسخ دادند، بازاریان متدین بودند - در
سراسر کشور به نحوی، لکن عمدتاً در تهران و بعضی شهرهای بزرگ - و
گرم کردند فضای کشور را در سال ۴۱ و همچنین در طول این سال‌های
متمادی همین‌طور بوده است.

حالا شما از کسانی از برجستگان اصناف اسم آوردید، ولیکن تعداد
اشخاص نام‌آور و برجسته بسیار بیش از این‌هاست و بسیاری از این‌ها
شناخته شده نیستند. این کنگره‌ای که شما دارید، یقیناً کمک خواهد کرد
به اینکه نام این آبرومندان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی زنده بشود و

احیا بشود. بسیار کار بجا و بموردی است.

[در میان] اصناف هم بعضی از کسانی که مشغول کار بودند کار خودشان را در خدمت انقلاب، بعضی در خدمت جنگ قرار دادند - که این‌ها را ما از نزدیک دیدیم - بعضی خودشان رفتند جبهه؛ بعضی کارشان را بردند جبهه و بعضی تمویل کردند جبهه‌ها را و کمک‌های مالی کردند. کارهای بسیار باارزشی انجام گرفت و انصافاً حق و سهم آن‌ها و نصیب آن‌ها همین هست که حتماً یک یادبود بزرگی، کنگره خوبی انجام بگیرد که حالا بحمدالله شما در صدد این هستید و ان شاء الله خداوند کمک کند به شما تا این کار را خوب انجام بدهید با محتواهای خوب. ان شاء الله موفق باشید.

با توفیق الهی و عنایات ویژه حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نخستین «کنگره ملی» هزار شهید اصناف و بازار» به همت این سازمان و با هدف شناساندن و ایستادگی شهدا و ایثارگران اصناف برگزار گردید که حاصل آن تهیه و نگارش قریب به ۴۰ عنوان کتاب درباره شهدای شاخص این حوزه بود.

کتاب حاضر بیانگر نمونه‌ای از فعالیت‌ها و جانفشانی‌های این گروه از مؤمنان ولایت‌مدار است که از صدر اسلام تاکنون همواره با بذل جان و مال خویش، دین خدا را یاری رسانده‌اند و به عبارتی صادق «سابقون» در نهضت اسلامی‌اند.

امید آن داریم که این مجموعه که در پرتو تلاشی حال‌سازانه فراهم آمده، همچون آینه‌ای روشن، چهره‌پرداز بازاریان مسلمان و اصناف مؤمن این سرزمین اسلامی باشد.

کنگره ملی شهدای اصناف و بازار
سازمان بسیج اصناف و بازاریان کشور

یادداشت نویسنده

از یابان، بر رفت و آمد میدان شوش عبور کردم. پله‌های کهنه و قدیمی پاساژی دانه در کنج میدان قرار داشت، یکی پس از دیگری بالا رفتم و به رستوران آینه رسیدم. پیدا کردن علی اکبر رضایی کار خیلی سختی نبود، اما یقین داشتم که شدن حرف‌هایش کار ساده‌ای نیست. چهره‌ی خسته و رنجور علی اکبر ردای حاکمی از تحمل سختی‌هایی بود که به او تحمیل شده بود. برای او صحبت کردن درباره‌ی زندگی شهیدی که پنجاه سال قبل به جوخه‌ی اعدام طاغوت سپرده شده بود، کار ساده‌ای نبود. شنیده بودم علی اکبر هنگام تیرباران پدرش پنج سال بیشتر نداشته. احساس می‌کردم اگر سر این زخم کهنه و تیزی باز شود، به راحتی مرهمی برای آن پیدا نخواهد شد. اما در اولین برخورد احساس غلظم را فراموش کردم. آقا علی اکبر با رویی باز و گشاده با من برخورد کرد و همچنان که دستان مرا به گرمی می‌فشرد، مرا به سمت یک میز دو نفره در گوشه‌ای از رستوران هدایت کرد. حتی برای لحظه‌ای لبخند از لبان آقا علی اکبر جدا نمی‌شد. خودم را معرفی کردم و از کاری که می‌خواستم انجام دهم، برایش توضیحات مختصری دادم. بعد آگاهی از نیتم، با آرامش منحصر به فردی اجازه‌ی گفتگو داد. مقدمه‌ی گفتگو از

شروع زندگی شهید رضایی آغاز شد. آقا علی اکبر؛ پسر بزرگ شهید رضایی بود. پسری که شاید کمتر کسی مثل او در طول این سال‌ها سایه‌ی سیاه و سنگین طاغوت را بر سرخود و خانواده احساس کرده باشد. طلیعه‌ی کلام با صحبت‌های ایشان رقم خورد. من هم مشتاقانه سرا پا گوش شدم. او از نخستین روزهای تولد پدر گفت.

www.ketab.ir